



## Biruni Institute Young Scholar Papers

اهمیت انکشاف روستایی و نقش آن در انکشاف ملی

سعادت شاه موسوی

BIRUNI  
INSTITUTE



کانون  
البيروني

**The Biruni Institute** is an independent, non-partisan, and not-for-profit economic policy think-tank, based in Kabul, that aims to promote evidence-based and research-led policy making in Afghanistan, and help create an environment for open dialogue on key policy issues. The Institute strives to make meaningful contributions to the national debate on contemporary economic challenges in Afghanistan, and endeavors to institutionalize a scientific approach to policy design and economic thinking in the country.

**Disclaimer:**

The view and analyses expressed in Biruni Institute's Young Scholar Papers are those of the author(s) and do not necessarily represent the views of the Institute, its Board of Directors, or the management.

# اهمیت انکشاف روستایی و نقش آن در انکشاف ملی<sup>1</sup>

سعادت شاه "موسوی"

## چکیده

در کشورهای در حال انکشاف، بحث انکشاف روستایی، یکی از مباحث جدی و پر اهمیت است. نظر به وضعیت جغرافیایی و محیطی افغانستان، این مهم از نظر اصحاب تحقیق مستور نیست. نقش و تأثیرات انکشاف روستایی بر انکشاف ملی، مسئله‌ای است که جامعه‌مانند افغانستان را به سمت رفاه و توسعه‌مندی می‌کشاند. تحقیق حاضر، رابطه انکشاف روستایی و انکشاف ملی را در ذیل نظریات «مایکل تودارو» که روی اهمیت و انکشاف کشاورزی بر انکشاف روستایی تأکید می‌ورزد، بررسی می‌کند.

روش تحقیقی که در این پژوهش استفاده شده است، تحلیلی-توصیفی است. از مطالعات کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی در حیطه‌های انکشاف روستایی، انکشاف زراعتی و مشاهدات تجربی صورت گرفته است. در ابتدا به تعاریف و چیستی انکشاف روستایی و پایدار اشاره شده و بعد راهبردهای انکشاف روستایی با زیر مجموعه‌های، اصلاحات ارضی، انقلاب سبز، صنعتی سازی، نیازهای اساسی، انکشاف و بهبود زیرساخت‌های روستایی و برنامه‌ریزی مراکز روستایی بیان شده‌اند.

در قسمت پایانی، نقش و اثرات انکشاف روستایی بر انکشاف ملی در بُعد زراعتی، اجتماعی، زیست محیطی و سیاسی تبیین و بررسی شده‌اند. در نتیجه‌گیری، با در نظر داشت این که 75 فیصد از نفوس افغانستان در روستاها زندگی می‌کنند و سهم شان در تولید ناخالص ملی اندک است، روی بازسازی و برنامه‌ریزی‌های که بهره‌وری بیشتر داشته باشند تأکید شده است. و شکاف میان نهاد دانشگاه و جامعه، عنصر دیگری است که در یافته‌های این تحقیق واجد جایگاه مهم است.

کلید واژگان: انکشاف روستایی، روستا، انکشاف پایدار، انکشاف ملی.

<sup>1</sup> سعادت موسوی دانشجوی رشته اقتصاد توسعه در دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه کاتب می باشد. تماس با

نویسنده: saadat.mousavi.2018@gmail.com

## مقدمه

از چند سده اخیر و با رشد پرشتاب صنعت و فناوری در جهان، عقب‌ماندگی مناطق روستایی بیشتر عیان گردیده است. از آن جایی که عموماً روستاییان نسبت به شهر نشینان دارای درآمد کم‌تری هستند و از خدمات اجتماعی ناچیزی برخوردار هستند، اقشار روستایی فقیرتر و آسیب‌پذیرتر محسوب می‌شوند که بعضاً منجر به مهاجرت آنان به سمت شهرها نیز می‌شود. علت این امر نیز پراکندگی جغرافیایی روستاها، نبود صرفه اقتصادی برای ارائه خدمات اجتماعی، حرفه‌ای و تخصصی نبودن کار کشاورزی (کم بودن بهره‌وری) محدودیت منابع ارضی، و عدم مدیریت صحیح مسوولان بوده است. به همین جهت برای رفع فقر شدید مناطق روستایی، ارتقای سطح و کیفیت زندگی روستاییان، ایجاد اشتغال و افزایش بهره‌وری آنان، تمهید «انکشاف روستایی» متولد گردید.

در واقع برنامه‌های انکشاف<sup>۲</sup> روستایی، جزئی از برنامه‌های انکشاف هر کشور محسوب می‌شوند که برای دگرگون سازی ساخت اجتماعی-اقتصادی جامعه روستایی بکار می‌روند. این امر در میان کشورهای جهان سوم که دولت‌ها نقش اساسی در تجدید ساختار جامعه به‌منظور هماهنگی با اهداف سیاسی و اقتصادی خاصی به‌عهده دارند، مورد پیدا می‌کند. از سوی دیگر توسعه روستایی را می‌توان عاملی در بهبود شرایط زندگی افراد متعلق به قشر کم درآمد ساکن روستا و خودکفاسازی آنان در روند انکشاف کلان کشور دانست.

بی‌توجهی روزافزون به بخشی انکشاف روستایی از یک سو و رشد جمعیت از سوی دیگر، سبب شده تا وضع زندگی روستاییان روز به‌روز بدتر شود. به‌طور مثال تقریباً هفتاد و پنج درصد مردم فقیر کشورهای در حال توسعه در نواحی روستایی زندگی می‌کنند (Whelan, 2003:1)<sup>۳</sup> و یا براساس برآورد صندوق بین‌المللی کشاورزی (ایفاد) از هر ده تن فقیر در جهان هنوز هفت تن ساکن روستا هستند (فائو، 1382:52)<sup>۴</sup>. به‌همین سبب، بیشتر برنامه‌ریزان توسعه درصدد کاهش ابعاد عقب‌ماندگی و توسعه‌ی مناطق روستایی هستند. بدین جهت، توسعه‌ی روستایی، راهبردی برای بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی روستاییان فقیر و کشاورزی، به‌عنوان کارکرد اصلی روستا، نقش مهم در فقرزدایی دارد (Meijerink, 2007:47)<sup>۵</sup>

تجربه‌ی کشورهای صنعتی غرب در مراحل صنعتی شدن این نکته را مورد تأکید قرار داده است که انکشاف اقتصادی در مراحل اولیه‌ی خود، جز از طریق تکیه بر انکشاف کشاورزی و انکشاف روستایی بالابردن بهره‌وری آن و گسترش رشد از این بخش‌ها به سایر بخش‌های اقتصادی امکان‌پذیر نبوده است. چین و تایلند دو نمونه‌ی موفق الگوی انکشاف بر اساس

<sup>۲</sup> در این مقاله، واژه «انکشاف» معادل واژه «توسعه» به کار رفته است. از این‌که در افغانستان، انکشاف متداول‌تر است. از آن استفاده کردم.

<sup>۳</sup> Whelan, susan, (2003), promoting sustainable rural development through Agriculture

<sup>۴</sup> فائو، 1382). کشاورزی در جهان به‌سوی 2030-2015، ترجمه هومن فتحی، موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصادی کشاورزی،

تهران.

<sup>۵</sup> Meijerink, Gerdien & Roza, Pim (2007), the role of Agriculture in development

تکیه بر بخش کشاورزی و انکشاف روستایی هستند. چینی‌ها می‌گویند کشاورزی اساس کار است و صنعت عامل پیش برنده آن (همتی، 1366:42).<sup>۶</sup>

تحقیق حاضر، با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی افغانستان که بیشتر از 20 میلیون نفوس کشور در روستاها زندگی می‌کند و سهم تولید و کارشان در (GDP) کشور بسیار اندک است، می‌خواهد اهمیت انکشاف روستایی را در رشد تولید ناخالص ملی و انکشاف ملی بررسی کند. این که انکشاف روستایی مشتمل بر چه عناصر اصلی و فرعی است که شناسای و سامان‌بخشی آنان کارساز می‌افتد و به انکشاف و رفاه منتهی می‌شود. هم‌چنان می‌شود گفت یک راه حل نهایی مساله بیکاری شهری در گرو بهبود محیط روستایی است.

### پیشینه و ضرورت تحقیق

امروزه در جهان، تحقیق در همه عرصه‌های زندگی جایگاه ارجمندی دارد. آن عده از جوامعی که به پژوهش اتکا کردند و به نقش سازنده‌ای آن پی بردند، به رفاه و انکشاف رسیده‌اند. سهم جامعه اکادمیک افغانستان در تولید علم بسیار اندک و یا صفر است. در صورتی که هزاران مسئله در شهرها و روستاها ناشناخته مانده و مورد کنکاش محققان قرار نگرفته‌اند. در مورد انکشاف اقتصادی و رفاه روستاییان افغانستان، متون علمی در دسترس نیست. هرچه یادداشت و متنی که در این زمینه وجود دارد، در حد گزارش و یادداشت‌های روزنامه‌ی و غیر علمی است، وزارت «انکشاف دهات» افغانستان در تبابی با وزارت کشاورزی، بودجه‌ای اختصاص داده و اقداماتی را برای روستاهای افغانستان در هژده سال پسین انجام داده‌اند. اما کارمندان وزارت‌های مزبور، با رویکرد علمی و اکادمیک مشکلات روستاها را به بررسی نگرفته‌اند و به صورت پراکنده و غیر حرفه‌ای تشخیص و تجویز داشته‌اند و در کل، سیاست‌گذاری کردند، و سیاست‌گذاری شان کم‌تر بر مبنای پژوهش بوده‌است. بایسته است که مسایل و معضلات در گام نخست به‌گونه‌ی روشمند شناسای و بعد برای چاره‌اندیشی آن اقدامات عملی صورت گیرد. در کشور همسایه ما (ایران)، تحقیقاتی در این زمینه شده است، اما به دلایل تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی، تطبیق آنان برای جامعه ما مقبول و معقول نمی‌افتد. بنابراین، اهمیت تحقق در مورد امکان‌ها و فرصت‌های تولیدی، کشاورزی، صنعتی و مال‌داری روستاهای افغانستان برای کسی مستور نیست. و هر گامی در این راستا، جامعه را به ساحت توسعه و رفاه نزدیک‌تر خواهد کرد.

### روش تحقیق

در تحقیق حاضر، از روش تحلیلی-توصیفی استفاده شده است. از مطالعات کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی در حیطه‌های انکشاف روستایی، انکشاف کشاورزی و مشاهدات تجربی صورت گرفته است. چشم دیدها و تجربیات شخصی نویسنده این مقاله که سال‌ها در روستا زندگی کرده است می‌تواند درجه‌ای از تاثیر خود را در قسمت اهمیت روستاها بر انکشاف ملی داشته باشند.

<sup>۶</sup> . همتی، عبدالناصر، (1366)، مشکلات اقتصاد جهان سوم، نشر سروش: تهران.

## چارچوب نظری تحقیق

اصطلاح انکشاف روستایی از سال‌های 1950 به بعد مطرح شده است (زمانی پور 1373:43).<sup>7</sup> انکشاف روستایی به‌عنوان یک مفهوم، ایده، نوعی عمران و بهبود سطح زندگی روستاییان است که شامل انکشاف منابع طبیعی با تأکید بر بخش کشاورزی و فعالیت‌های مرتبط با آن، انکشاف صنایع روستایی، توسعه تجهیز منابع انسانی و تلاش مستمر در راستای به‌سازی فضای اجتماعی-اقتصادی زندگی روستایی می‌شود. از این منظر آن مفهومی چند بعدی است که علوم متعدد کشاورزی، علوم اجتماعی، روانشناسی، مدیریت، اقتصاد و مهندسی را باهم مرتبط می‌سازد (طالب و عنبری 1387:249).<sup>8</sup> مایکل تودارو اعتقاد دارد که توسعه روستایی در عین حال که عمدتاً منوط به پیشرفت کشاورزی زارعین کوچک است، از این حد بسیار فراتر می‌رود و شامل:

الف) بهبود سطح زندگی از جمله بهبود در آمد، اشتغال، آموزش، بهداشت و تغذیه، مسکن و رشته متنوعی از خدمات اجتماعی مربوط.

ب) کاهش نابرابری در زمینه توزیع در آمدهای روستایی و کاهش عدم تعادل در آمدها و امکانات اقتصادی بین مناطق شهری و روستایی.

ج) گسترش توانایی بخش روستایی در تثبیت و تسریع روند پیشرفت در طول زمان می‌گردد (تودارو، 1378:237).<sup>9</sup>

بنا به تعریف بانک جهانی انکشاف روستایی استراتژی است که برای بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه مشخصی از مردم که همان روستاییان فقیرند، طراحی می‌شود. این استراتژی در پی گسترش منافع انکشاف بین فقیرترین افرادی است که در نواحی روستایی به دنبال امرار معاش هستند. از نظر بانک جهانی، فقرای روستایی بیشتر شامل کشاورزان است (لنگرودی، 1386:6).<sup>10</sup> به عبارت دیگر می‌توان گفت که توسعه به دنبال تغییر وضع موجود یک جامعه و حرکت به سمت وضع مطلوب بوده که با توجه به ساختارهای جامعه ترسیم شده است.

بدین‌سان، با توجه به ابعاد گسترده توسعه روستایی نمی‌توان تعریف جامع و مورد پذیرش همه صاحب‌نظران ارائه نمود. اما آن چه که در بسیاری از تعاریف بر آن تکیه و تأکید گردیده، جایگاه محوری بخش کشاورزی و مسائل پیرامونی آن است. یعنی هسته‌ای برجسته کار و فعالیت روستاییان را کشاورزی تشکیل می‌دهد.

<sup>7</sup> زمانی پور، اسدالله (1373). ترویج کشاورزی در فرایند توسعه، دانشگاه بیرجند.

<sup>8</sup> طالب، مهدی؛ عنبری موسی (1387)، جامعه‌شناسی روستایی با تأکید بر ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران. انتشارات دانشگاه تهران.

<sup>9</sup> تودارو، مایکل (1378). توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلام علی فرجادی، انتشارات موسسه عالی پژوهشی و برنامه ریزی توسعه تهران.

<sup>10</sup> مطیعی لنگرودی، سید حسن (1386)، جغرافیای کشاورزی ایران-کشاورزی، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

اگر انکشاف روستایی را فرآیند افزایش انتخاب مردم، گسترش دموکراتیک، توانمندسازی مردم به منظور تصمیم‌گیری برای شکل‌دهی به فضای زیست، افزایش رفاه و خوشبختی، گسترش فرصت‌های بالقوه، توانمندسازی زنان، فقرا و دهقانان مستقل و آزاد برای سازمان‌دهی فضای زیست خویش و همچنین توانایی برای انجام کار گروهی بدانیم، می‌توان گفت که در نظریه‌های جدید توسعه، توانمندسازی در اولویت است. بنابراین، صاحب‌نظران انکشاف روستایی معتقدند که برای تحقق توانمندسازی جامعه روستایی به منظور افزایش توانایی تصمیم‌گیری مدیریت روستایی، باید از داخل جامعه محلی شروع کرد و عوامل بیرونی می‌توانند به شکل تسهیل‌گر ایفای نقش کنند (ESCAP:1996)<sup>11</sup>.

از این رو، با بررسی کلی تعاریف توسعه روستایی از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف، می‌توان به نکات کلیدی زیر اشاره کرد که نگرش جدید در توسعه روستایی از جمله مدیریت توسعه روستایی را مد نظر قرار می‌دهند:

- جامعیت فرآیند توسعه روستایی (اقتصادی، اجتماعی، بوم‌شناختی) (Attfield and Barry, 1992:97)<sup>12</sup>.
- مردم‌گرایی، مشارکت و درون‌زایی (صرافی، 1379:12)<sup>13</sup>.
- آزادی انتخاب و برابری، در دست‌رسی به فرصت‌ها (Axinn, 1997:31)<sup>14</sup>.
- رسیدن به هدف نهایی انسان یعنی رضایت از زندگی (ESCAP)<sup>15</sup>.
- توانمندسازی، ایجاد ظرفیت‌های جدید، احترام به اطلاعات و دانش بومی، افزایش آگاهی و اطلاعات (زاهد مازندرانی، 1384)<sup>16</sup>.
- ایجاد تغییرات آرام در دیدگاه، ارزش‌ها، شیوه مصرف، باشیوه‌ای مدیریتی و اداری (Balazs and Podmaniczky, 2001)<sup>17</sup>.
- بیانیه هزاره سازمان ملل، سیاست‌های عمومی توسعه روستایی برای نیل به اهدافی مانند کاهش فقر، ارتقای عظمت انسانی، برابری و عدالت، توانمندسازی، پایداری محیطی به منظور رهایی فقرا از بند محرومیت را به شرح زیر بیان می‌کند (UNDP, 2002):

1. افزایش سطح کارآیی و برابری با سرمایه‌گذاری در بهداشت، آموزش و...
2. تسهیل دسترسی فقرا به زمین، اعتبار، مهارت‌ها.
3. افزایش مشارکت روستاییان و گروه‌های اجتماعی موجود در مناطق روستایی و مدیریت محلی.

ESCAP (1996), Showing the way: Methodologies fo Successful Rural Poverty Alleviation Ptojents. Bankok<sup>11</sup>

Attfield, R. and Barry,w. (1992), International Justice and The Third word. London: Routledge. <sup>12</sup>

صرافی، مظفر (1378)، مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای. تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه <sup>13</sup>

Axinn, G. H. and Axinn, N. W. (1997), Collaboration in international Rual Development: A Practioner <sup>14</sup>  
Handbook, Landon: Sage.

ESCAP (1996), Showing the way: Methodologies fo Successful Rural Poverty Alleviation Ptojents. Bankok<sup>15</sup>

زاهدی مازندرانی، محمد جواد (1384)، توان پس انداز خانوارهای روستایی و آثار آن بر مشارکت روستاییان در فرآیند توسعه، اقتصاد توسعه و کشاورزی و توسعه. سال سیزدهم، شماره 49 بهار.

Balazs, K. and Podmaniczky, L. (2001), Rural Enterprise Planning: An Applied Approach to Address nes <sup>17</sup>  
Chalaneges. Hungery: Szent Istvan university.

بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که در انکشاف روستایی حرکت از مداخله مستقیم به غیر مستقیم دولت به منزله سیاست در همه امور از جمله مدیریت پذیرفته شده است.

### تعریف روستا (دهات)

در منابع مختلف، تعاریف گوناگون از روستا شده است، که یکی از تعاریف که هم جامع به نظر می‌رسد و هم می‌توان با توجه به شرایط امروزی از یک روستا یاد کرد این است: روستا عمدتاً یک واحد همگن طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی است که از یک مرکز جمعیت و محل کار و سکونت (اعم از متمرکز، پیوسته و یا پراکنده) با حوزه و قلمرو معین ثبتي و یا عرفی تشکیل می‌شود و اکثریت ساکنان شاغل دائمی آن به طور مستقیم و یا غیر مستقیم به یکی از فعالیت‌های اصلی زراعی، باغداری، دامداری، صیادی، صنایع و روستایی و یا ترکیبی از این فعالیت‌ها اشتغال دارند و از آن ارتزاق می‌نمایند و پیوند فرهنگی و اجتماعی عمیقی مابین جامعه آن برقرار است (مطیعی لنگرودی، 1382:31)<sup>18</sup>.

### خصوصیات محیط روستایی

در برخی منابع، هشت متغیر جهت تفکیک روستا از شهر ذکر شده است که عبارتند از:

1. اشتغال: درصد بالای از اشتغال در روستاها مستقیماً با زمین به منظور زراعت و فعالیت‌های جنگی سر و کار دارد.
2. محیط: محیط جغرافیایی نواحی روستایی بیشتر دست پرورده طبیعت است تا ساخته دست بشر.
3. اندازه جامعه: اماکن روستایی معمولاً کوچک‌تر از شهرها هستند.
4. تراکم جمعیت: تراکم جمعیت در نواحی روستایی پایین‌تر از شهرهاست.
5. تجانس جمعیت: از لحاظ خصوصیات اجتماعی، جوامع روستایی در مقایسه به جوامع شهری متجانس‌تر هستند.
6. تمایز اجتماعی: طبقه‌بندی اجتماعی در شهر بیشتر به چشم می‌خورد و اختلاف طبقاتی در روستا کم‌تر محسوس است.
7. تحرک: تحرک هم به معنای فضایی و هم اجتماعی در روستا شدت کم‌تری دارد.
8. سیستم روابط متقابل: روابط روستایی عمدتاً در سطح شخص و چهره به چهره است (جمعه پور، 1391:20)<sup>19</sup>.

### تعریف انکشاف روستایی

تا کنون تعاریف زیادی درباره انکشاف روستایی مطرح شده است، انکشاف روستایی، جزئی از برنامه‌های انکشاف هر کشور می‌باشد که برای دگرگون سازی ساخت اجتماعی-اقتصادی جامعه روستایی بکار می‌رود. اینگونه برنامه‌ها را که

<sup>18</sup> مطیعی لنگرودی، سید حسن. (1386)، جغرافیای کشاورزی ایران-کشاورزی، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

<sup>19</sup> جمعه پور، محمود (1391)، مقدمه ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی، دیدگاه و روشها، نشر سمت، تهران.



دولت ها و یا عاملان آنان در مناطق روستایی پیاده می کنند، دگرگونی اجتماعی بر اساس طرح و نقشه نیز می گویند. این امر در میان کشورهای جهان سوم که دولت ها نقش اساسی در تجدید ساختار جامعه به منظور هماهنگی با اهداف سیاسی و اقتصادی خاصی به عهده دارند، مورد پیدا می کند. از سوی دیگر انکشاف روستایی را می توان عاملی در بهبود شرایط زندگی افراد متعلق به قشر کم درآمد ساکن روستا و خودکفاسازی آنان در روند توسعه کلان کشور دانست (فصل نامه رویش، 1386) ۲۰.

انکشاف روستایی، به معنی حفظ یا گسترش روستا نیست، یعنی نباید به این مقوله این گونه فکر کرد. نباید فکر کرد که با انکشاف روستایی می خواهیم روستاها را گسترش دهیم و یا روستاها را حفظ کنیم؟ به طور مرسوم وقتی می گوئیم توسعه روستایی، این عبارت این معنی را می رساند که روستاهای موجود کشور یا باید حفظ شوند یا گسترش پیدا کنند. در حالی که هر دوی این معانی غلط است. انکشاف روستایی را باید همان بازسازی روستا بدانیم. بازسازی روستا از دیدگاه فکری، اندیشه ای، آموزشی، تکنولوژی و تولید. این امور را باید انکشاف اقتصادی انجام دهد.

پس هدف، بازسازی کامل جامعه روستایی است. لذا انکشاف روستایی را باید به مفهوم بازسازی جامعه روستایی در نظر گرفت. توسعه فرایند نوسازی و بازسازی جامعه بر اساس اندیشه ها و باروهای تازه است. باید دید که فرآیند انکشاف که خود ناشی از فرآیند تحول فکری و اندیشه ای، و نهادسازی است و سامان های تازه ای به زندگی می بخشد چه ارتباطی با توسعه روستایی به معنای مورد اشاره ما دارد؟ در این ارتباط بحث دو سویه ای وجود دارد. اولاً این که روستا در فرآیند انکشاف عمومی جامعه چه نقشی دارد؟ ثانیاً این که توسعه عمومی بر روستا چه تاثیراتی می گذارد؟ آیا واقعا می توان انتظار داشت که روستا در تحول اندیشه جامعه نقش موثری داشته باشد؟ این اندیشه ها و بصیرت های تازه در دوران مدرن شامل سه اندیشه اصلی علم باوری، انسان باوری و آینده باوری است.

1. علم باوری: یعنی بشر پذیرفته که شاخه ای از معرفت هایش که از آن به عنوان علم یاد می کنیم، از اهمیت ویژه برخوردار است.

2. انسان باوری: به این معنی که جامعه امروز ایده، یا اندیشه اصالت فرد و انسان را پذیرفته و ایده اصالت نجبا و اشراف را رها کرده است. به عبارت دیگر در دنیای مدرن وقتی کودکی به دنیا می آید، به همین اعتبار که این کودک از انسان زاییده شده، محترم است.

3. آینده باوری: دو اندیشه علم باوری و انسان باوری با اندیشه سوم یعنی آینده باوری کامل شده است. در این اندیشه نگرش قدیمی به زندگی تغییر کرده است. در گذشته فردی که به دنیا می آمد این طور فکر می شد، که از پیش سرنوشتش تعیین شده است. مثلاً اگر پدر کشاورز بود فرزند هم به احتمال قریب به یقین باید کشاورز می شد. اگر پدر آهنگر بود فرزند باید آهنگر می شد و... اما دنیای جدید این اندیشه را عوض کرده است.

<sup>20</sup> ضرورت توسعه روستایی. فصل نامه رویش: فصل نامه عملی-آموزشی، ترویجی، اطلاع رسانی، سال پنجم، شماره 18، تابستان 1386.

## انکشاف پایدار روستایی

آنچه امروزه در مورد انکشاف در مناطق روستایی مطرح است، انکشاف پایدار روستایی است. انکشاف پایدار توسعه‌ای است که بتواند نیازهای کنونی بشر را تأمین کند بدون آن که توان‌های محیطی و زیستی نسل‌های آینده را در تأمین نیازهایشان به‌مخاطره اندازد (فصل‌نامه رویش، 1386)<sup>21</sup>. هدف اصلی انکشاف پایدار، تأمین نیازهای اساسی، بهبود و ارتقا سطح زندگی برای همه، حفظ و اداره به‌تر اکوسیستم‌ها و آینده‌ای امن‌تر و سعادت‌مندانه‌تر بیان می‌شود.

توسعه‌ای که در مناطق روستایی بیشتر مورد نظر است و لازم است برنامه‌ریزان روستایی مد نظر داشته باشند به شرح زیر است.

1. انکشاف باید «تغییری» در جهت بهبود شرایط برای اکثریت مردم باشد.
2. مردمی که از انکشاف سود می‌برند باید بیشتر از مردمی باشند که از آن متضرر می‌شوند.
3. انکشاف باید دست کم مردم را نسبت به تأمین حداقل نیازهای زندگی‌شان یا نیازهای ضروری زندگی‌شان مطمئن سازد.
4. انکشاف باید با نیازهای مردم هماهنگی و مطابقت داشته باشد.
5. انکشاف باید باعث تشویق خود اتکایی گردد.
6. انکشاف باید بهبود طولانی و مستمر را به ارمغان آورد.
7. انکشاف باید باعث تخریب محیط زیست طبیعی نباشد.

اهداف استراتژی انکشاف روستایی افغانستان می‌تواند متکی بر اصول زیر باشد.

1. کاهش شدت جریان مهاجرت‌های روستاییان به شهر، به‌نحوی که مهاجرت روستایی رابطه معقول و متعادلی با انکشاف خدمات، صنعت و بخش کشاورزی پدید آورد.
2. تمرکز یا فشرده کردن جمعیت در محیط روستایی، جهت پدید آوردن مراکز روستایی بزرگ‌تر تا روستاییان بتوانند تحت پوشش شبکه خدمات قرار گرفته و در عین حال پوشش کافی جمعیتی برای استقرار صنایع در محیط روستایی فراهم آید.
3. انتظام بخشیدن به زراعت و دامداری در محیط روستایی.
4. تقویت کردن و تنوع بخشیدن به اشتغال غیر کشاورزی در محیط روستایی.
5. توسعه بخشیدن موسسه‌ها و نهادهای کمک‌کننده برای زارعین و دامداران.

<sup>21</sup> ضرورت توسعه روستایی. فصل‌نامه رویش: فصل‌نامه عملی-آموزشی، ترویجی، اطلاع‌رسانی، سال پنجم، شماره 18، تابستان 1386.

6. ایجاد مراکز آموزشی، جهت آموزش و تربیت باغداران و زمین‌داران، تا گراف بهره‌وری افزایش پیدا کند (فصل‌نامه رویش، 1386) ۲۲.

با این وصف، باید برای رسیدن به انکشاف روستایی، خصوصاً انکشاف پایدار روستایی توجه به تعریف و اهداف انکشاف و هم‌چنین بکارگیری استراتژی‌هایی که برای انکشاف روستایی در افغانستان در نظر گرفته شده لازم است. ضمناً در استراتژی‌های فوق باید به مسئله پایداری انکشاف روستایی نیز دقت لازم صورت گیرد.

### راهبرد های برنامه‌ریزی انکشاف روستایی افغانستان

با توجه به ویژگی‌های محیطی روستاهای افغانستان، راهبرد اقتصادی، کشاورزی و اجتماعی را می‌شود، پیشنهاد، تقویت و بازسازی کرد. چون سهم و نقش روستاییان در تولید ناخالص ملی برجسته است و بخشی بزرگ از مردم افغانستان دور از شهر، در روستاها مصروف کشاورزی و صنایع دستی هستند.

### راهبرد اصلاحات ارضی

اصلاحات ارضی، به معنی هرگونه تغییر و تحول در وضع زمین‌داری است که موجب بهره‌برداری بهینه از اراضی کشاورزی گردد. این راهبرد به‌طور رسمی به دهه‌ی 1950 و 1960 میلادی مربوط می‌شود. اصلاحات ارضی نقش مهمی در تجدید ساخت اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی دارد. تجدید ساخت، تولید و توزیع مجدد منابع اقتصادی از جمله اهداف انکشاف روستایی به‌شمار می‌آید. برخی اصلاحات ارضی را عاملی می‌دانند که تولید بهره‌وری را به حداکثر می‌رساند و مازاد سرمایه و خدمات را برای انکشاف صنعت فراهم می‌آورد. اصلاحات ارضی فرآیندی از انکشاف روستایی است که برای دستیابی به اهداف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. به‌طور کلی، اصلاحات ارضی می‌تواند به پنج مساله افزایش تقاضا برای غذا، کمک به درآمد ملی یا فراهم کردن ارز از طریق افزایش صادرات کشاورزی، تأمین نیروی کار برای صنعت، افزایش درآمد کشاورزان و به تبع آن افزایش تقاضای مصرف و در نتیجه انکشاف صنعت، پاسخ گوید.

### راهبرد انقلاب سبز

انکشاف کشاورزی یکی از مهم‌ترین عوامل بهبود وضعیت زندگی روستایی در اکثر کشورهای در حال توسعه و کم‌تر توسعه یافته است. چرا که بخش عمده‌ای از جمعیت در نواحی روستایی و فعالیت کشاورزی مشغول به کار هستند. انکشاف کشاورزی از طریق انقلاب سبز، از راهبردهای اولیه در زمین‌های انکشاف روستایی است که در دهه‌ی 1950 و 1960 مورد تأکید بوده است. اساساً انقلاب سبز در زمره‌ی راهبردهای بهبود سازی در انکشاف کشاورزی است که پیشرفت تدریجی در شیوه‌ی تولید محصولات زراعی و دامی و افزایش بهره‌وری را بدون ایجاد دگرگونی بنیادی و اساسی

<sup>22</sup> ضرورت توسعه روستایی. فصل‌نامه رویش: فصل‌نامه عملی-آموزشی، ترویجی، اطلاع‌رسانی، سال پنجم، شماره 18، تابستان 1386.

در نظام حقوقی و اجتماعی به‌ویژه نظام مالکیت و بهره‌برداری مورد توجه قرار می‌دهد. البته مفهوم انقلاب سبز به دو معنی یکی دگرگونی در بخش کشاورزی کشورهای در حال توسعه برای جبران کمبود مواد غذایی و دیگر بهبود افزایش تولید از طریق اصلاح گونه‌های گیاهی به‌ویژه انواع بذرها گندم و برنج به کار رفته است. به‌طور کلی، هر چند انکشاف کشاورزی از طریق انقلاب سبز نقش موثری در افزایش تولید محصولات کشاورزی داشت، ولی به‌دلیل افزایش نابرابری اقتصادی-اجتماعی در نواحی روستایی، پیامدهای منفی نیز در نواحی روستایی بار آورد. انقلاب سبز باعث کاهش مهاجرت‌های روستایی نشده است و بعضاً باعث بروز اختلافاتی مابین نواحی روستایی (بخاطر بازده متفاوت زمین‌ها در این محصولات اساسی) نیز شده است. به‌همین دلیل یعنی انکشاف کشاورزی بدون تحقق انکشاف روستایی باعث شد که در دهه‌های بعدی راهبردهای دیگری برای انکشاف روستایی کار گرفته شود.

## راهبرد صنعتی سازی

افزایش سریع جمعیت، گسترش شهرنشینی، کمبود فرصت‌های شغلی به‌ویژه در کشاورزی، فشار جمعیت بر منافع طبیعی و ناکامی در ایجاد و گسترش صنایع متوسط و بزرگ به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه باعث شد که این کشورها راهبرد صنعتی سازی روستاها را از اواسط دهه‌ی 1970 در برنامه‌های انکشافی خود مد نظر قرار دهند. کشورهای متعددی این راهبرد را اجرا کردند یا بدنیاال اجرای آن هستند. در این رابطه تأکید بر صنایع روستایی، صنایع کوچک، شهرک‌های کوچک صنعتی و تمرکززدایی از فعالیت‌های صنعتی را آزمودند و برخی از کشورها هم از طریق قوانین بازدارنده و تشویقی در این زمینه گام برداشتند، چرا که ایجاد و گسترش صنایع روستایی یا صنعتی شدن روستاها می‌تواند از طریق ایجاد تنوع افزایش اشتغال و درآمد، افزایش ارزش افزوده فعالیت‌های کشاورزی و گسترش فرهنگ صنعتی، نقش موثری در توازن و تعادل شهر و روستا و انکشاف نواحی روستایی داشته باشد.

بیشتر این گونه صنایع روستایی در کسب و کارهای خرد (کوچک مقیاس) شکل می‌گیرند که می‌تواند بخش عمده‌ی از آن را صنایع دستی تشکیل دهد. این صنایع دستی می‌توانند از ابزارهای پیشرفته تر برای کار خود بهره برده و به‌دلیل سادگی و مقبولیت بیشتر در جوامع روستایی و امکانات اشتغال‌زایی بیشتر، کمک بیشتری به بهبود وضعیت روستاییان انجام دهند.

## راهبرد تأمین نیازهای اساسی

راهبرد تأمین نیازهای اساسی در دهه‌ی 1970 در بسیاری از کشورهای در حال توسعه مورد توجه قرار گرفت، طرح‌های انکشاف روستایی در دهه‌ی 1970، توزیع عادلانه دستاوردهای ناشی از رشد اقتصادی میان مناطق شهری و روستایی و طبقات اقتصادی-اجتماعی مناطق روستایی را مورد تأکید قرار دادند (مرکز مطالعات تکنولوژی، 1393)<sup>23</sup>. راهبرد نیازهای اساسی در جست‌وجوی شیوه‌ای است که براساس آن نیازهای اساسی فقیرترین بخش از جمعیت کشورهای در حال

<sup>23</sup> مرکز مطالعات تکنولوژی (1393)، نظریه‌های توسعه روستایی در جهان، خرداد، دانشگاه علم و صنعت تهران.

توسعه به درآمد و خدمات را طوری که نسل تأمین نماید. این رویکرد نشان دهنده‌ی یک چرخش بنیادی از ریکردهای مرسوم توسعه بود. چرخش از رشد به عنوان معیار اصلی به سمت نیازهای اساسی که از طریق اشتغال و توزیع مجدد صورت گیرد (رضوانی 1390:28)<sup>24</sup>. به‌طور کلی، این راهبرد در کشورهای در حال توسعه بر کیفیت زندگی در مناطق روستایی تأثیر گذاشت، اما نتوانست فقر را از بین ببرد. عنوان طرح کشورهای پیشرفته برای محروم ساختن کشورهای در حال توسعه از فناوری‌های جدید و صنعتی شدن محسوب کردند.

## راهبرد انکشاف و بهبود زیرساخت‌های روستایی

زیرساخت‌های روستایی را می‌توان سرمایه‌های عمومی و اجتماعی روستاها دانست که بدین جهت انکشاف این زیرساخت‌های اجتماعی، فیزیکی و نهادی باعث بهبودی شرایط و کیفیت زندگی و معیشت مردم محلی و ارتقای کارایی زندگی اجتماعی و اقتصادی آنان خواهد شد. به‌عنوان مثال، انکشاف زیرساخت‌های اجتماعی هم‌چون تسهیلات و خدمات صحتی آموزشی، باعث بهبود کیفیت منابع انسانی و افزایش توانایی‌های آنان (در جایگاه‌های فردی و اجتماعی) خواهد شد. منظور از ایجاد، انکشاف و نگهداری زیرساخت‌های روستایی، صرفاً تزریق نهاده‌های سرمایه‌ای به یک جامعه با تولید سنتی نیست، بلکه هدف ایجاد سازوکارها، نهادها و مدیریت جدیدی است که در عمل نیازمند مشارکت وسیع روستاییان است. در واقع این استراتژی، با همکاری مردم می‌تواند به‌طور آگاهانه، ارادی و موفقیت آمیز از دوران طراحی، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری کرده و به شرایط مطلوب پایدار وارد گردد.

## راهبرد برنامه‌ریزی مراکز روستایی

در کشورهای جهان سوم تا پایان دهه‌ی 1960، تلاش‌های انکشاف بیشتر مبتنی بر یک رهیافت بود. از این رو به طرح ریزی بعد فضایی انکشاف کم‌تر توجه می‌شد. اما به مرور زمان مشخص شد که نتایج این رهیافت‌ها کاملاً نامطلوب بوده و نتایج نامطلوبی در عرضه‌های مکانی و فضای و حتی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به بار آورده‌اند (مرکز مطالعات تکنولوژی، 1393)<sup>25</sup>.

نیاز به برنامه‌ریزی مراکز روستایی در سی و دومین اجلاس کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوسیه (اسکاپ) در سال 1976 مورد تأکید قرار گرفت. راهبرد برنامه‌ریزی مراکز روستایی که به عنوان برنامه‌ریزی سلسله مراتبی سکونت‌گاه‌ها نیز مطرح شده است، راهبردی است که چالش اساسی پیش روی جوامع بشری در نیم قرن گذشته یعنی افزایش رشد اقتصادی، توزیع عادلانه منافع حاصل از رشد در بین مردم و کاهش تخریب محیط زیست را مورد توجه قرار داده و درصدد آمیختن آن‌ها با یکدیگر است.

<sup>24</sup> رضوانی، محمدرضا (1390) برنامه‌ریزی روستایی در ایران، قومس، تهران.

<sup>25</sup> مرکز مطالعات تکنولوژی (1393)، نظریه‌های توسعه روستایی در جهان، دانشگاه علم و صنعت تهران.

موضوع اصلی راهبرد برنامه‌ریزی مراکز روستایی، تشکیل و تقویت سلسله مراتبی تعریف شده از سکونت‌گاه‌ها و مکان‌های مرکزی در نواحی روستایی است. این موضوع در چارچوب مباحث اندازه و ترتیب سکونت‌گاه‌های انسانی و دامنه ارتباطات آن‌ها همراه با انتشار و اشاعه نوآوری‌ها، توسط ژیفورد وارد ادبیات انکشاف شد و سپس توسط افرادی مانند وینینگ، چروکوپال، بری، وال شاکس، تکمیل گردید. در این میان بحث این بود که بخشی از شکاف موجود بین کشورهای توسعه نیافته و توسعه یافته را می‌توان با توجه به تفاوت‌های نظام سکونت‌گاهی آن‌ها تشریح کرد، چرا که در کشورهای انکشاف یافته وجود سلسله مراتب منسجم از مکان‌های مرکزی موجب کاهش کشاورزی به‌سوی تجاری شدن و نیز تسهیل مبادله کالاها و خدمات شده است. بنابراین وجود سلسله مراتبی از سکونت‌گاه‌های روستایی و شهری که از لحاظ کارکردی یک پارچه بوده به عنوان عامل مهمی برای انتشار و پخش انکشاف اقتصادی و اجتماعی تلقی گردید.

### نقش انکشاف روستایی در انکشاف ملی

اساساً حوزه‌های روستایی به‌عنوان قاعده نظام سکونت و فعالیت ملی، نقش مهمی در انکشاف ملی ایفا می‌کند، چرا که انکشاف پایدار سرزمین در گرو پایداری نظام روستایی به‌عنوان زیر نظام تشکیل دهنده نظام سرزمین است، و پایداری فضاهای روستایی در ابعاد مختلف می‌تواند نقش موثری در توسعه منطقه‌ای و ملی داشته باشد.

حالا اگر به دلایلی در روند پیشرفت و توسعه فضاهای روستایی و قفای ایجاد شود، به گونه‌ای که نظام روستایی قادر به ایفای نقش سازنده خویش در نظام ملی و سرزمینی نباشد، در آن صورت آثار و پیامدهای مسایل روستایی در حوزه‌های شهری و در نهایت در کلیت سرزمین گسترش می‌یابد. از این رو باید به این موضوع اذعان نمود که انکشاف پایدار و یک پارچه ملی معطوف به انکشاف پایدار در سطح منطقه‌ای، شهری و روستایی است.

متأسفانه شواهد و تجربیات نشان می‌دهد که به حق و وظیفه توسعه جوامع و فضاهای روستایی، به تناسب سهم، جایگاه و کارکرد آن در اقتصاد ملی، کم توجهی شده و حوزه‌های روستایی در شرایط کاملاً نابرابر از جهت دسترسی به فرصت‌ها و منافع حاصل از رشد و توسعه قرار نگرفته‌اند. از این رو تعدیل عدم تعادل‌های اجتماعی-اقتصادی و سرزمینی در جهت بالندگی جوامع روستایی و تسهیل رشد و ارتقای این جوامع ضرورتی اساسی و اجتناب ناپذیر محسوب می‌شود (اخواتی، 1383:16).<sup>26</sup>

اما اگر بتوانیم انکشاف ملی را طوری سامان دهیم که اهمیت ویژه‌ای به کشاورزی، روستا و تولید داده شود، می‌توانیم باعث ارتقاء دانش فنی و بومی کردن آن‌ها در کانون‌های تولید و روستاها شویم. و از این طریق نه تنها صرفه جویی قابل توجهی در تراز (بیلبانس شیت) پرداخت‌ها به‌وجود آوریم بلکه اگر با سیاست‌های آگاهانه و حمایت از تولید به افزایش مازاد نیاز دست یابیم آن وقت صادرات دور از دسترس نیست و می‌توانیم درآمد ارزی بیشتری داشته باشیم.

<sup>26</sup> اخواتی، محمدعلی (1383)، شاخص‌های توسعه در جهان سوم، انتشارات جوان، گیلان.

«مایکل تودارو» در کتاب توسعه اقتصادی در جهان سوم، ابعاد و اهمیت انکشاف روستایی و نقش آن در انکشاف ملی را بدین صورت بیان می‌کند:

انکشاف کشاورزی و انکشاف روستایی محور اصلی انکشاف ملی است، وی معتقد است که توسعه و رشد بخش کشاورزی به عنوان موتور و محرکه اصلی انکشاف روستایی است و علت آن را اشتغال بیش از 80 درصد جمعیت روستایی جهان سوم به‌طور مستقیم و غیر مستقیم در فعالیت‌های کشاورزی می‌داند. در نظر تودارو انکشاف ملی، به انکشاف روستایی است چرا که ریشه تمامی مشکلات و مسائل عقب ماندگی مثل فقر، نابرابری در حال رشد، رشد سریع جمعیت و بیکاری فزاینده در مناطق روستایی قرار دارد.

«جان رابینسون»، «آنتوان داکوره» نیز همچون تودارو انکشاف روستایی را شرط انکشاف ملی می‌دانند و برای این منظور تأکید خاصی بر رشد بخش کشاورزی دارند. رابینسون تولید مواد غذایی را به‌عنوان ضروری‌ترین وسیله برای قطع وابستگی سیاسی می‌داند و می‌گوید: «نوعی تعاونی یا مالکیت جمعی زمین و وسایل تولید ضروری است تا چاره‌جویی را فراهم آورد که مدرنیزاسیون بتواند بدون قطبی شدن ثروت و فقر که امروزه سراسر جهان دچار آن است صورت گیرد.» (فتوحی، 1389:25)<sup>27</sup>. تز انکشاف کشاورزی و روستایی در دهه 1980 فرآیند غالب بر توسعه جهان سوم بود.

میزان زیاد فقر را در کشورهای در حال توسعه را نمی‌توان فقط با ذکر این که میزان درآمد سالانه در این کشورها خیلی پایین‌تر از میزان درآمد در کشورهای توسعه یافته است، بیان کرد. بلکه باید حداقل دو عامل یا دو ویژگی دیگر از انکشاف نیافتگی را در نظر گرفت. این دو ویژگی عبارتند از: ویژگی‌های داخلی و خارجی. در باب ویژگی‌های داخلی این کشورها باید به مساله توزیع درآمدها اشاره کرد. شکی نیست که نابرابری در تمام کشورها وجود دارد، اما نابرابری در میان گروه‌های فقیر و ثروتمند در کشورهای توسعه نیافته به مراتب از نابرابری در کشورهای ثروتمند بیشتر است. عامل بیرونی که باید به خاطر داشت این است که در مقایسه با کشورهای پیشرفته، اکثر کشورهای در حال توسعه از رشد بطی درآمد سرانه برخوردارند (کرمی، 1388:40)<sup>28</sup>. نقش تولیدی روستا جهت حصول به امنیت غذایی، مساعدت به بخش صنعت و نیز نقش صادرات روستا در تولید ناخالص کشور و ایجاد فرصت‌های شغلی در ابعاد مکانی از جمله آثار مناطق روستایی در انکشاف ملی کشور است. در سال‌های اخیر نیز انکشاف صنعت گردشگری روستایی به‌ویژه در کشورهای توسعه یافته، عامل اساسی در فرآیند توسعه روستایی و تحقق اهداف انکشاف ملی بوده است. نقش انکشاف روستایی در انکشاف ملی را می‌شود به‌صورت زیر مورد بررسی و مذاقه قرار داد.

## بُعد زراعتی

مناطق مرکزی و دهات افغانستان با داشتن منابع بزرگ طبیعی و معدنی، آب‌های گوارا، زمین‌های قابل زرع، کوه‌های بلند و برف‌گیر، علف‌چرها، حیوانات اهلی و وحشی، طبیعت دل‌پذیر، موقعیت حساس و استراتژیک، در حیات اقتصادی این

<sup>27</sup> فتوحی، باقر، (1389)، اقتصاد کشاورزی، انتشارات اندیشه، اصفهان.

<sup>28</sup> کرمی، مصطفی (1388)، درآمدی بر توسعه اقتصادی، انتشار پاییز، شیراز.

کشور دارای اهمیت و ارزش بسیار می‌باشد. چون بخش بزرگی از اقتصاد کشور به تولیدات روستایی وابسته است و محصولات دهقانان و مالداران، بیشتر صادرات کشور را تشکیل می‌دهد. مناطق کوهستانی از امنیت، فضای مناسب و مکان‌های امن‌تری برای کارخانه‌های تولیدی برخوردار است. با این وجود، توسعه‌ی دهات، مهم‌ترین نقش را در رشد اقتصاد کشور دارا می‌باشد. اگر مناطق روستایی کشور توسعه یابد، زمین‌های بیشتری تحت زراعت و آبیاری قرار می‌گیرد و حاصلات دهقانان چندین برابر می‌شود. از سوی دیگر مهاجرت‌های داخلی نیز کاهش یافته و خطر فرسایش زمین، از بین رفتن باغ‌ها و علف‌چرها، خشک شدن درختان و شکار حیوانات وحشی نیز از بین می‌رود. انکشاف زراعت و مالداری مناطق مرکزی افغانستان باعث افزایش عرضه‌ی موادخام مورد نیاز شهرها نیز می‌گردد که در نتیجه باعث شکوفایی اقتصادی همه‌ی مردم کشور می‌گردد.<sup>۲۹</sup>

نواحی روستایی به‌ویژه از طریق تولیدات زراعتی و صنایع دستی نقش مهمی در اقتصادی ملی دارند. رشد بالای بخش کشاورزی در سال‌های اخیر نشان دهنده وجود ظرفیت‌های بالقوه زیاد این بخش برای افزایش تولید و انکشاف بیشتر است. نظر به آمار ارائه شده در سالنامه سال 1399 اداره احصائیه مرکزی افغانستان، جمعیت افغانستان 30075018 است. از این تعداد نفوس 22567065 آن در نواحی روستایی و 7507953 آن در شهرها زندگی می‌کنند، که بالترتیب 75 فیصد آن روستا نشین و 25 فیصد آن شهر نشین می‌باشد.

افغانستان کشور زراعتی است که از مجموع اراضی آن 12 فیصد ساحه قابل زرع، 7،2 فیصد ساحه جنگلات، 46،4 فیصد ساحه علف‌چرها و 9،38 فیصد آن ساحات کوه‌ها و آبادی‌ها می‌باشد. زرع نباتات به‌شکل آبی و للمی صورت می‌گیرد. گندم للمی سهم بارز در تولید غله دارد. هم‌چنین گندم از جمله محصولات عمده و اساسی می‌باشد که در حدود 89 فیصد مجموع کل مصارف غله جات را در افغانستان تشکیل می‌دهد. میوه‌جات به‌شمول خربوزه، تربوز، زردآلود، انار و انگور هم برای مصارف داخلی و هم برای صادرات تولید می‌گردد. میوه‌جات خشک و مغز خاصاً زردآلود و بادام هنوز هم یکی از منابع مهم صادراتی است.

غله‌جات: تولید گندم در سال مالی 1399 به 2،5 میلیون تن، تولید برنج به 44،0 میلیون تن، مقدار تولید جو به 13،0 میلیون تن و جواری به 27،0 میلیون تن رسیده است. هم‌چنان ساحه مجموع تحت زرع غله‌جات و حبوبات در سال 1399 به 1،3 میلیون هکتار رسیده است.

سبزیجات: سبزیجات برای مصارف خانوارها و مارکیت در بیشترین مزارع کشت می‌گردد و تخمیناً در حدود 7،6 فیصد از مجموع اراضی آبی را تشکیل می‌دهد که در آن سبزیجات کشت گردیده است. ساحه کچالو 7،53 هزار هکتار و مقدار تولید آن 4،855 هزار تن و هم‌چنین حاصل فی هکتار کچالو 9،15 تن بطور اوسط می‌باشد. کچالو و پیاز از جمله سبزیجات عمده به‌شمار می‌رود که جز اساسی خوراک را در کشور ما تشکیل می‌دهد. در سال مالی 1399 ساحه تحت کشت پیاز به 16985 هکتار می‌باشد.



میوه‌جات: اقسام عمده درختان میوه‌دار از قبیل سیب، انار، زردآلود، توت، انگور و بادام بوده که در حدود 38،3 فیصد ساحه قابل کشت را تشکیل می‌دهد. در سال مالی 1399 ساحه تحت غرس درختان میوه‌دار به 265 هزار هکتار می‌رسد، تولید انگور در سال مالی 1399 به 4،993 هزار تن می‌رسد. تقریباً تمام خانوارهای روستایی یک تعداد درختان مثمر برای مصرف خویش دارند. با وجود آن باغ‌ها هم‌چنین یک منبع عمده عاید در بسیاری مناطق کشور برای دهاقین بوده و تولید اکثریت باغ‌های متوسط و بزرگ برای بازار می‌باشد (سال‌نامه احصائیه مرکزی، 1399:157)<sup>۳۰</sup>.

## بُعدی اجتماعی

در بُعد اجتماعی سکونت 75 درصد جمعیت کشور در مناطق روستایی، هم‌چنین وجود توانمندی‌های فرهنگی، یادمان‌های تاریخی، ساختارهای اجتماعی متنوع و کارآمد، نوع و شیوه زندگی منحصر به فرد روستایی با خصلت‌های چون خودکفایی و توانمندی، قادرند ضمن ایجاد ثبات اجتماعی و فرهنگی و منطقه‌ای، در تحقق فرایند توسعه ملی کشور در بعد اجتماعی و فرهنگی مساعدت نمایند.

از یک جهت، آمار ارائه شده توسط اداره احصائیه مرکزی افغانستان، ممکن است نظر به چالش‌های فراروی مساله سرشماری نفوس دقیق نباشد و بیشتر از رقم یاد شده مردم در نواحی روستایی زندگی کنند. همین‌طور سهم بخش زراعت در سال 1399 در (GDP)<sup>۳۱</sup> کشور 01،27 فیصد نشان داده شده است. از یک طرف سیر نزولی تولیدات زراعتی ریشه در بی توجهی دولت و مهاجرت‌های روستاییان به شهرها دارد. از سوی دیگر فقدان نهاد قوی بررسی کننده و عدم دسترسی اداره احصائیه به همه مناطق افغانستان، باعث می‌شود که صورت واقعی تولیدات و محصولات دهقانان در تولید ناخالص داخلی نشان داده نشود.

## بُعد زیست محیطی

قوانین و مقرره‌های زراعتی و زیست محیطی تاثیر زیادی بر انکشاف مناطق روستایی دارد. بنابراین نقش زیست محیطی روستا در تحقق اهداف انکشاف ملی با قابلیت‌های مناطق روستایی در جهت مقابله با خطرات ناشی از خشک‌سالی‌ها، مقابله با فرسایش و تخریب خاک، حفظ و نگهداری منابع طبیعی و نیز میکرو اقلیم‌ها معنا می‌یابد. بدین ترتیب اگر انکشاف را به معنای تعامل به‌هنگار نظام‌های اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی بدانیم، در آن‌صورت روستا و مناطق روستایی نقش اساسی در تحقق توسعه پایدار کشور ایفا می‌کند (طاهر خانی، 1384)<sup>۳۲</sup>. ساخت و بافت جغرافیایی افغانستان، به‌گونه‌ای است که مناطق وافر برای غرس نهال‌های مثمر و غیر مثمر دارد. کرانه‌ها و دامنه‌های کوه‌ها و دره‌ها، همه بستر مساعد و مطلوب محیط سازی استند که با عنایت و دقت برنامه‌ریزی شده، می‌توانند هم محیط را سبز و سالم بسازند، هم از طریق توسعه غرس درختان میوه موجب افزایش تولیدات و صادرات داخلی می‌شوند. این مهم زمانی تحقق

<sup>30</sup> سال‌نامه احصائیه مرکزی افغانستان، شماره 40، حمل 1398.

<sup>31</sup> Gross domestic products

<sup>32</sup> طاهر خانی، کاظم (1384)، تأثیرات اقلیمی بر توسعه پایدار، فصل نامه توسعه اقتصادی، شماره 43، بهار 1384 یزد.

پیدا می‌کند که نهاد دانشگاه و بخش اکادمیک کشور، در تناسب به نیازمندی‌های مملکت حرکت کند و متخصص عرصه‌ی کشاورزی تربیت کند. هنوز زراعت و صنایع دستی در افغانستان سنتی و عنعنوی است و مکانیزه نشده است. فقدان افراد ماهر و تحصیل یافته در حوزه‌های مزبور به شدت احساس می‌شود. اگر با رویکرد علمی و تخصصی به زراعت نگاه شود و اصلاح‌سازی صورت گیرد، بدون شک سهم زراعت و صنایع روستایی در (GDP) کشور افزایش خواهد یافت. همان‌طور که نظریه پردازان اقتصاد توسعه می‌پندارند که برای کشورهای کمتر توسعه یافته، بخش زراعت پایه‌ی اصلی است و باید بستری را گذار به صنعتی شدن محیا سازد.

## بُعدی سیاسی

پیوند امنیت و سیاست و اقتصاد برای کشوری مانند افغانستان که تنش‌های درونی فراوان و هم‌چنان مرزهای مشترک زیاد دارد، قابل طرح و بررسی است. مجموعه از عامل‌ها که به نظر می‌رسد با ثبات سیاسی بستگی دارد، به جنبه‌های گوناگون توسعه اقتصادی مربوط می‌شوند. نخستین عاملی که در این زمینه باید مورد بحث قرار گیرد رشد اقتصادی است. گفته می‌شود افزایش ثروت باعث افزایش ثبات به ویژه در کشورهای دموکراتیک می‌گردد. «لیپست» اولین کسی بود که گفت افزایش سرمایه و توان اقتصادی با افزایش ثبات پیوند مستقیم دارد. اساس این تحلیل و فور بنگاه‌های اقتصادی و فراوانی موجب امنیت می‌شود. استدلال می‌شود که وقتی مردمی از نظرگاه اقتصادی توانمند باشند، دیگر دغدغه برای جنگ و بی‌ثباتی باقی نمی‌ماند. برعکس مردمانی که به سختی معیشت می‌کنند، یا نسبت به حکومت بی‌پروایند و یا با آن به‌مقابله بر می‌خیزند.

برای کشور مثل افغانستان با این جمعیت ابنوه که امنیت غذایی برایش مهم است، روستا به‌عنوان کانون تولید مواد غذایی خیلی معنی‌دار است. تلاش‌ها و اهتمام‌های پی‌گیر باعث می‌شوند که از نظر تولید مواد غذایی به‌خودکفایی کامل برسیم و حتی به صادرات قابل ملاحظه‌ی دست یابیم. مناطق مرزی اگر معیشت لازم را داشته باشند و به‌بهره‌وری بیشتر برسند، هم در امر حراست و صیانت از مرزهای سیاسی حساس خواهند بود، و هم فرزندان خود را بیشتر به درس و تعلیم ترغیب خواهند کرد. با این صورت است که ثبات سیاسی و رونق اقتصادی در سراسر کشور، بهبود پیدا می‌کند.

## نتیجه‌گیری

در واقع انکشاف روستایی یک مبحث جدی است و نباید آن را دست کم گرفت. با در نظر داشت نظر «تودارو» که انکشاف هر کشوری را در گروه انکشاف روستایی آن کشور می‌داند، بنابراین انکشاف روستایی و نقش آن بر انکشاف ملی یک بحث مهم و حیاتی است، لذا جهت انکشاف پایدار ملی، هر کشوری نیازمند انکشاف روستاها و توجه به روستا و روستایی می‌باشد.

75 درصد جمعیت کشور در روستاها زندگی می‌کنند و توجه به آنان و رفع مشکلات معیشتی و اجتماعی آن‌ها یک وظیفه اصلی برای حکومت‌ها به‌ویژه حکومت افغانستان است. پس توجه به روستاهای کشور باید یک وظیفه برای دولت محسوب شده و در کنار تمامی مسائل، برنامه‌ریزی انکشاف روستایی را نیز جزء اولویت کاری خود قرار دهد.

شکاف جدی میان نهاد دانشگاه و نهادهای اقتصادی، زراعتی و صنعتی افغانستان وجود دارد. در سالیان پسین شاهد این هستیم که نسل جوان چه در دانشگاه‌های خصوصی چه دولتی، بیشتر شامل دانشکده‌های می‌شوند که ساحه و عرصه‌ی کاربردی در جامعه فعلی افغانستان کم‌تر دارند. رشته‌های مانند علوم سیاسی، حقوق، کمپیوتر ساینس، پزشکی... وظیفه وزارت تحصیلات عالی افغانستان است که تشخیص دهد که در چه زمینه‌های تحصیل‌یافته تولید کند. باید دانشکده‌ی زراعت خیلی فعال شود و بخشی کشاورزی کشور را مدرنیزه نماید. متأسفانه دهقانان هنوز به صورت بسیار سنتی و عنعنوی کشاورزی می‌کنند و بازدهی کار شان خیلی اندک و ناچیز است. با وجود این که سهم کشاورزی باید در (GDP) کشور زیاد باشد، نظر به ساختار اقتصادی که سکتورهای صنعت و خدمات ما نوپا هستند، اما به دلیل بی‌کیفایتی و بی‌توجهی دولت، سال به سال سهم کشاورزی در تولید ناخالص ملی رو به کاهش است. نیاز است که بانک زراعتی فعال داشته باشیم و سهولت‌های لازم را برای زارعین ایجاد نماییم.

با توجه به این که یکی از ابعاد مهم انکشاف بعد انسانی آن است، بنابراین به لحاظ انسانی، لازم است که جامعه روستایی متناسب با جامعه شهری از فرصت‌ها برخوردار گردد. و هم‌چنین با توجه به این که امروزه بیش از هر زمان دیگر توجه به حقوق انسان‌ها و محرومیت زدایی از اجتماعات انسانی در کانون توجه همگانی قرار دارد و حق انکشاف و برخورداری از امکانات و فرصت‌ها، از حقوق مسلم انسانی محسوب می‌شود، لذا انکشاف روستایی و برنامه‌ریزی برای تحقق آن در کشور یکی از ضرورت‌های مهم در فرآیند انکشاف ملی است.

فقر و بیکاری از جمله مشکلات بزرگ و اساسی در روستاهای ماست و این امر باعث تشدید مهاجرت‌های روستایی می‌شود و هم‌چنین با توجه به این که جوان و نخبه‌گزين بودن از ویژگی‌های بارز مهاجرت‌های روستایی است. بنابراین برای رفع فقر و بیکاری در روستاها، انکشاف روستایی یک ضرورت به نظر می‌رسد که در این راه می‌توان با متنوع کردن اقتصاد روستایی و هم‌چنین با استفاده از کارآفرینی و ایجاد شرکت‌ها و تصدی‌های کوچک و متوسط، فرصت‌های جدید شغلی خصوصاً برای فارغ‌التحصیلان، جوانان و زنان روستایی ایجاد گردد.

## منابع

1. فائو (1382)، کشاورزی در جهان به سوی 2030-2015، ترجمه هومن فتحی، موسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصادی کشاورزی، تهران.
2. همتی، عبدالناصر (1366)، مشکلات اقتصاد جهان سوم، نشر سروش: تهران.
3. زمانی پور، اسدالله (1373)، ترویج کشاورزی در فرایند توسعه، دانشگاه بیرجند.
4. طالب، مهدی؛ عنبری موسی (1387)، جامعه شناسی روستایی با تاکید بر ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران. انتشارات دانشگاه تهران.
5. تودارو، مایکل (1378)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلام علی فرجادی، انتشارات موسسه عالی پژوهشی و برنامه ریزی توسعه تهران.
6. مطیعی لنگرودی، سید حسن (1386)، جغرافیای کشاورزی ایران-کشاورزی، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
7. صرافی، مظفر (1378)، مبانی برنامه ریزی منطقه ای. تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
8. زاهدی مازندرانی، محمد جواد (1384)، توان پس انداز خانوارهای روستایی و آثار آن بر مشارکت روستاییان در فرآیند توسعه، اقتصاد توسعه و کشاورزی و توسعه. سال سیزدهم، شماره 49 بهار.
9. مطیعی لنگرودی، سید حسن (1386)، جغرافیای کشاورزی ایران-کشاورزی، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
10. جمعه پور، محمود (1391)، مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی، دیدگاه و روشها، نشر سمت، تهران.
11. ضرورت توسعه روستایی، فصل نامه رویش: فصل نامه عملی-آموزشی، ترویجی، اطلاع رسانی، سال پنجم، شماره 18، تابستان 1386
12. مرکز مطالعات تکنولوژی (1393)، نظریه های توسعه روستایی در جهان، خرداد، دانشگاه علم و صنعت تهران.
13. رضوانی، محمدرضا (1390)، برنامه ریزی روستایی در ایران، قومس، تهران.
14. مرکز مطالعات تکنولوژی (1393)، نظریه های توسعه روستایی در جهان، دانشگاه علم و صنعت تهران.
15. اخواتی، محمدعلی (1383)، شاخص های توسعه در جهان سوم، انتشارات جوان، گیلان.
16. فتوحی، باقر (1389)، اقتصاد کشاورزی، انتشارات اندیشه، اصفهان.
17. کرمی، مصطفی (1388)، درآمدی بر توسعه اقتصادی، انتشارات پاییز، شیراز.
18. سال نامه احصائیه مرکزی افغانستان، شماره 40، حمل 1398.
19. طاهر خانی، کاظم، تأثیرات اقلیمی بر توسعه پایدار، فصل نامه توسعه اقتصادی، شماره 43، بهار 1384 یزد.
20. Whelan, susan, (2003), promoting sustainable rural development through Agriculture

- .Meijerink, Gerdien & Roza, Pim (2007), **the role of Agriculture in development** .21
- ESCAP (1996), showing the way: Methodologies fo Successful Rural Poverty Alleviation .22  
.Ptojents. Bankok
- Attfield, R. and Barry,w. (1992), **International Justice and The Third word**. London: .23  
Routledge.
- Axinn, G. H. and Axinn, N. W. (1997), **Collaboration in international Rual** .24  
**Development: A Practioner Handbook**, Landon: Sage.
- ESCAP (1996), showing the way: Methodologies fo Successful Rural Poverty Alleviation .25  
.Ptojents. Bankok
- Balazs, K. and Podmaniczky, L. (2001), **Rural Enterprise Planning: An Applied** .26  
**Approach to Address nes Chalaneges**. Hungery: Szent Istvan University.
- .<https://www.etilaatroz.com> .27